

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:Y5SH19A613118 ISSN-P: 2538-3701

بررسی تاثیر مجازات های جایگزین حبس بر بازاجتماعی شدن مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۹/۱۸)

محمد کاظم کریمی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

چکیده

مجازات ها به عنوان ابزار دارویی، در اختیار دولت ها قرار می گیرند تا با تجویز آن از سوی محکمه، درمان بیماران جنایی و اصلاح آنان محقق شود. امروزه با گسترش دامنه شمول اصل فردی کردن مجازات ضرورت تطبیق مجازات ها با شخصیت مرتکب دیده می شود. مجازات زندان به دلیل آسیب زا بودن، ایجاد هزینه های اقتصادی بر دوش دولت و بروز مشکلات عدیده در خانواده مجرم، نمی تواند هدف عالی نظام عدالت کیفری، که اصلاح و درمان مجرمین می باشد را در خصوص مجرمین کم خطر، برآورده نماید. بدین منظور در جهت کاستن از آسیب های زندان، پنج نوع از مجازات های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توسط قانونگذار ایران پیش بینی شدند. پژوهشگر در این مقاله سعی دارد تا ضمن بر شمردن آثار منفی حبس و زندان، مجازات های جایگزین حبس را معرفی نماید و تاثیر آن را بر باز اجتماعی شدن مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم، مطالعه کند.

واژگان کلیدی: جایگزین های حبس، زندان، بازپروری، اصلاح، تکرار جرم

^۱ Mohammadkarimiv008@gmail.com

مجازات حبس قدیمی ترین مجازات در نظام های کیفری امروزی است و از آنجایی که این نوع مجازات محدود کننده آزادی افراد است و علاوه بر شخص محکوم، خانواده و اجتماع را تحت تاثیر خود قرار می دهد لازم است قانون گذار با پیش بینی تدابیر تربیتی و اصلاحی به جای تدابیر تهریبی و آسیب زا رسالت اصلی خود را که بازپروری مجرمین می باشد به نحو صحیح بدان عمل نماید. فضا و شرایط زندان نه تنها به بازپروری شخص محکوم و بازگرداندن او به اجتماع کمکی نمی کند، بلکه سبب هتک حرمت شدید و آسیب های روحی و روانی بر زندانی و پذیرش خرده فرهنگ های موجود در زندان خواهد شد، این عوامل باعث خواهد شد مجازات زندان نه تنها تاثیری بر اصلاح مجرم و جرم زدایی نداشته باشد، بلکه حتی اسباب جرم زایی و مجرم پروری را نیز فراهم آورد. به طور کلی مجازات زندان نه تنها مانع تکرار جرم نمی شود، بلکه حس انتقام جویی آنان را افزایش می دهد و مشکلات فراوانی را بر محکوم، خانواده وی و اجتماع متحمل می سازد. از مشکلاتی که باعث روی آوردن قانونگذار به حبس گرایی شدند باید به کمبود منابع مالی، شیوع بیماری، ازدیاد زندانیان کشور، اثرات نفی روانی و جرم زا بودن محیط زندان ها اشاره کرد. با وجود تمامی این اوصاف، آمار های موجود نشان می دهند که مجازات های جایگزین حبس نسبت به حبس گرایی، در تحقق اهداف، موفقیت بیشتری کسب کرده اند؛ چرا که پیش بینی های موجود برای مجازات های جایگزین حبس باعث ایجاد ضمانت اجرایی بیشتر و بهتر شده اند و همچنین جامعه پذیری مجدد مجرمان را در بر دارند. طبق آمار، میزان تکرار جرم محکومین به مجازات های جایگزین حبس نسبت به محکومین به حبس کمتر است و این نشان دهنده ی برتری نسبی حبس زدایی نسبت به حبس گرایی است. نگاه قانون گذار به شخص محکوم باید از نوع نگاه طبیب به بیمار باشد، و مجازات های پیش بینی شده در قانون باید عملکردی چنان دارو داشته باشند و نتیجه حاصله این اقدامات به سلامت روانی و بازپروری شخص محکوم بینجامد. هرگاه نگاه قانون گذار جنبه تربیتی و اصلاحی داشته باشد و قاضی رسیدگی کننده به دنبال باز اجتماعی کردن مجرم باشد آن وقت است که نقش اصلی قانون ظهور میابد. مجازات های جایگزین حبس آن دسته از تدابیر تربیتی قانون گذار ایران است، تا با فاصله از مجازات زندان و اعمال مجازات های جایگزین، به مجرم فرصت احیای دوباره دهد. مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با پیش بینی پنج دسته از مجازات های جایگزین حبس که عبارتند از؛ دوره

مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی، این تدابیر تخفیفی را در جهت اصلاح مجرم وضع نموده است.

بخش اول: اهمیت و ضرورت موضوع اصلاح و بازپروری مجرمان

با ارتکاب بزه توسط مرتکب، دگرگونی‌های مختلفی در روابط فردی و اجتماعی وی حادث می‌شود و الزاماتی پیرامون این وضعیت جدید به وجود می‌آید که پاسخ‌دهی مطلوب به آن‌ها، مستلزم برنامه‌ریزی دقیق در تمامی سطوح است (نوریه، ۲۰۰۲: ۲۳). از جمله این الزامات، آن است که باید تدابیر مناسبی برای اصلاح بزه‌کاران و تمهید زمینه‌ای برای بازگشت به جامعه و خانواده اندیشیده شود (زایبرت، ۲۰۰۵: ۵۰). علی‌رغم برخی ادعاها در خصوص شکست سیاست اصلاح و درمان هنوز اجماعی در این زمینه وجود ندارد. طرفداران سیاست اصلاح و درمان معتقدند که اگر این سیاست شکستی هم خورده است، یا بدلیل عدم سیاست‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری کافی دولت‌ها و یا بدلیل عدم تربیت نیروی کافی بوده است. ضرورت تعدیل جمعیت کیفری زندان‌ها و نیز موثر نبودن راهکار زندان نسبت به برخی مجرمان که از جایگاه اجتماعی بالاتر یا خطر کمتری برخوردارند، ضرورت اتخاذ برخی مجازات‌ها که بیشتر ماهیت اصلاحی دارند را ایجاب کرده است. تاسیسات حقوقی در عصر حاضر از بهترین روش‌ها و راهکارهای اصلاح مجرمان است که باعث کاهش جمعیت کیفری و رفع مشکلات زندان‌ها در قوانین مجازات می‌باشد. و یکی از نمونه‌های آن مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد. قانونگذار، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مواردی از تاسیسات ارفاق‌آمیز را برای مرتکبین جرائم ذکر کرده است و بدین طریق خواسته در جهت کمک به مجرمین به آن‌ها مساعدت نموده و از ارتکاب مجدد جرم، آن‌ها را بازدارند. یکی از ابزارهای مفید برای بازاجتماعی نمودن مجرمین و اجتناب از فضای جرم‌زای زندان، مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد، عنوان مجازات‌های جایگزین حبس که برای نخستین بار در قانون جدید مجازات مطرح شده را باید یکی از تحولات و رویکرد‌های نوین این قانون دانست و وسیله‌ای که می‌تواند رسالت اصلی مجازات را ایفا نماید.

بند اول: هزینه‌های اقتصادی حبس

حبس منجر به هدر رفتن نیروی انسانی می گردد. نیروهای انسانی هر جامعه ای چنانچه تبدیل به نیروهای هزینه بر شوند، به همان اندازه آن جامعه منابع خویش را از دست داده است. زندانیان اکثرا در سنین بین ۲۰ تا ۵۰ سال قرار دارند و این افراد از لحاظ سنی در بهترین دوران کار آمدی خویش به سر می برند. زندان دارای هزینه های بی بازگشتی است و اتلاف منابع را به همراه دارد. بنابر این هزینه های اقتصادی زندان عبارتند از؛

- ۱- اتلاف منابع انسانی؛
- ۲- هزینه های نگهداری و پشتیبانی؛
- ۳- هزینه های ساخت زندان و مدیریت آن؛
- ۴- فقر مالی خانواده؛
- ۵- انفصال شغلی؛
- ۶- افزایش میزان بیکاری؛
- ۷- افزایش اختلافات خانوادگی فرد زندانی

بند دوم: تاثیر زندان بر خانواده زندانی

گرچه مجازات بزهکار و مجرم به منظور حفظ نظم عمومی و تامین امنیت در جامعه ضرورت دارد، اما اگر در اجرای مجازات اقدامات موثری در جهت اصلاح و درمان مجرم صورت نگیرد، مجازات اثر معکوس خواهد داشت و در پیشگیری از جرم یا ممانعت از تکرار آن موثر نخواهد بود. هر انسانی مسئول اعمال و کردار خویش است؛ اما در میان خانواده هر فرد شامل همسر و فرزندان، کسانی هستند که در بسیاری مواقع باید متحمل آثار اشتباه عضوی از خانواده شوند. زندانی شدن یکی از والدین دو اثر مستقیم در نهاد خانواده می گذارد، یک تاثیر بر همسر و دیگری آثار سوء بر فرزندان، که هر یک مشکلات دیگری برای خانواده به بار می آورد.

بند سوم: شکست مجازات حبس در رسیدن به اهداف

مجازات ها از اهدافی بر خوردار می باشند که مهمترین آن اصلاح و درمان مجرم است، مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است این هدف عالی را برآورده کند.

بند چهارم: ناتوانی در پیشگیری از جرم

یکی از اهداف مجازات ها ارباب و بازدارندگی است، بدین معنا که با اجرای مجازات هم فرد مجرم تنبیه شود، جایگاه اصیل انسانی خود را در جامعه پیدا کند و سمت دیگر جرائم نرود، و در وهله دوم در خصوص افرادی که بزهدکار بالقوه می باشند آن چنان اربابی ایجاد نماید تا کسی رغبت به جرم نداشته باشد، یعنی مجازات ها باید رنگ و بوی پیشگیرانه داشته باشند و در اعمال مجازات ها هم فرد و هم جامعه مد نظر قرار گیرد. حال سوال اینجاست، آیا کیفر حبس نتوانسته است این هدف مجازات را بر آورده نماید؟ آیا مجازات زندان نتوانسته است نقش بیمارستانی خود را بدون کاستی ایفا نماید؟ آیا با شدید شدن مجازات میزان جرائم ارتكابی کاهش یافته است یا مجازات ها اثر بالعکس داشته اند؟ پاسخ به این سوالات را باید در آمار و ارقام بزهدکاری یافت. برای مثال، آمار تعداد زندانیان در مهر و موم های سال ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۱ از ۹۱۲۴۳ به ۱۵۱۰۶۲ نفر افزایش داشته است، این ها بیانگر این است که مجازات زندان در کاهش آمار جرائم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تاثیر ندارد. بنابراین زندان نه تنها نمی تواند امنیت قضایی را فراهم نماید بلکه بی اعتمادی و بدبینی را برخی در این می دانند که جرم ناشی از عواملی از قبیل فقر، بیکاری، بی سواد و ... است که زندان در کاهش یا از بین بردن آن تاثیری نخواهد داشت و تا وقتی زمینه های جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتكاب جرم پیشگیری نخواهد کرد (گودزی، ۱۳۸۲، ۱۱۰). بنابراین برای پیشگیری از جرم هم باید با مجرم به نحو درست برخورد کرد و هم با زمینه های ارتكاب جرم، هم باید با مفسد مقابله کرد و هم با فساد، این زمینه های فساد است که مفسد می سازد. به عنوان مثال اگر دولت الکترونیک که فعالیت اداری را در بستر نرم افزارها مدیریت می کند به نحو درست در کشور پیاده سازی شود بسترهای فساد را نیز به تبع آن کاهش میابد.

بند پنجم: شکست برنامه های اصلاح و درمان

یکی دیگر از اهداف مجازات درمان و اصلاح بزهدکار است. در اکثر مواردی که قرآن کریم توبه را موجب از بین رفتن آثار یک عمل ممنوع و مشروع دانسته است، آن را به اصلاح مقید کرده و توبه ی

تنها را کافی ندانسته است، «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ» (آیه ۳۹ سوره مائده)، در اسلام، مجازات در کنار ارشاد و تربیت و رحمت است، در آیات قبل از سوره فوق مجازات مجرمان بیان شد و پس از بیان مجازات در این آیه دعوت به توبه و اصلاح بدی ها شده است، برای انسان خطا کار، همیشه راه بازگشت و اصلاح باز است «فَمَنْ تَابَ» (محسن قرائتی، تفسیر نور: قرآن کریم). با وجود آنکه بیش از ۱۸۰۰ مورد عناوین مجرمانه در قوانین ایران جرم انگاری شده است، بر اساس آمار های مرکز بین المللی مطالعات زندان های جهان در سال ۲۰۱۳، جمعیت زندانیان کشور در حدود ۲۲۶ هزار نفر اعلام شده است و ایران از این حیث در رتبه هشتم جهان قرار دارد. با کنار هم قرار دادن هدف اصلاحی مجازات و آمار های موجود زندانیان در ایران، یک نتیجه حاصل می شود، و آن شکست برنامه های اصلاح و درمان است. حال بارقه هایی از امید وجود دارد تا با بهره مندی حداکثری از مجازات های جایگزین حبس گامی بلند در جهت جبران این شکست برداشت، در عین حالی که مجازات های جایگزین حبس نیاز به توسعه و بازنگری دارد.

بند ششم: بیکاری و طرد اجتماعی

همانگونه که بیان شد، مجازات داروست و باید اثر درمانی داشته باشد. یکی از آثار مخرب و سوء حبس بیکاری است، حال اگر سرپرست خانوار مجازات خود را در زندان بگذراند، معیشت افراد تحت تکفل وی چه می شود؟ مجازات حبس ضمن آنکه در حین اجرا موجب می شود فرد شغل خود را از دست دهد پس از اجرای حبس نیز موجب می شود فرد موقعیت شغلی خود را از دست دهد. از سویی زندان موجب طرد اجتماعی زندانی می شود و افراد جامعه نسبت به شخص مجرم دیگر بی اعتنا شده و هیچ تمایلی به معاشرت با وی از خود نشان نمی دهند. این امر سبب می شود حس انتقام جویی و کینه توزی در فرد مجرم پرورش یابد و دیگر فرصتی برای عبرت گیری و باز اجتماعی شدن مجرم به وجود نمی آید.

بخش دوم: مفهوم مجازات های جایگزین حبس

مجازات های جایگزین حبس در راستای اصل فردی کردن مجازات ها تدوین شده اند. این نوع مجازات ها اقداماتی هستند که جایگزین مجازات زندان شده و دارای اهداف گوناگون می باشند و یکی از مهمترین این اهداف کاستن از جمعیت و آمار محبوسین در زندان است که به تبع حذف

زندان، بسیاری از پیامدهای ناشی از حبس نیز حذف می‌شود. در تعریف این نوع از مجازات‌ها باید گفت: مجازات‌های جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت‌اجراهای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری از زندان برای آنان و جامعه ضروری نیست بکار گرفته می‌شود. به بیانی دیگر این گونه مجازات‌ها بدیل‌هایی هستند که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی‌گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد (نجفی انبر ابادی، ۱۳۷۹: ۵۴۰). هدف دیگر مجازات‌های جایگزین حبس کمک به باز اجتماعی کردن فرد مجرم می‌باشد و به واسطه مجازات‌هایی که جایگزین حبس می‌شوند فرد مجرم دوباره به جامعه باز می‌گردد و مقدمات احیای او در اجتماع فراهم می‌شود. مجازات جایگزین حبس مجازاتی هستند که میان حبس و آزادی مشروط قرار دارند و در حقیقت نه سلب‌کننده آزادی‌اند و نه آزادی، از این رو مجازات‌بینان نیز خوانده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). مارک آنسل (Mark Ansel) مجازات جایگزین حبس را مجازاتی تعریف می‌کند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان‌بار کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۶، ص ۷۴). هدف مجازات جایگزین حبس تنها برقراری تعادل اجتماعی و تنبیه اخلاقی نیست، بلکه باید هر مجازات، آن طور انتخاب و اجرا شود که برای دیگران عبرتی باشد و کارکرد پیشگیرانه سودمندی را نیز ایفا کند. مجازات باید کمک‌کننده تا جرمی که به وقوع پیوسته، چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان تکرار نشود و حالت پیشگیرانه داشته باشد (بولک، ۱۳۸۶، ص ۳۱). آنچه مجازات در اسلام بر آن مبتنی است عبارت است از اصلاح و تربیت بزهکار و رحمت و احسان به او، زیرا مبنای مجازات رحمت خداوند بر عالمیان است (قربان‌نیا، ۱۳۷۷، ۴۳۳).

بکاریا (Cesare Beccaria) معتقد است که هدف مجازات به هیچ وجه آزار رساندن و رنجاندن بزهکار نیست، بلکه نخست بازداشتن او از زیان رساندن دوباره به دیگران است و در خلال آن بازگرداندن دیگران از راهی است که تازه در آن گام نهاده‌اند (اردیلی، ۱۳۸۴: ۲۶). این مجازات تک بعدی نیست بلکه ابعاد مراقبتی سزا دهی، اصلاح و درمان بزهکار را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد توسل به مجازات‌های جایگزین حبس ممکن است موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده زندانی و ... شود. رد پای تبدیل حبس به مجازات

های جایگزین، پیش و پس از سال ۱۳۵۷ در میان قوانین کیفری ایران مشهود است. مجموع این جایگزین هارا می توان به دو دسته جایگزین های حبس سنتی و نوین تقسیم کرد.

بخش سوم: مجازات های جایگزین حبس سنتی

تعلیق اجرای مجازات - تعلیق اجرای مجازات، متوقف ساختن مجازات کسی است که به مجازات تعزیری محکوم شده است تا چنانچه پس از مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه به طور کامل تبعیت کند، محکومیت وی کان لم یکن تلقی خواهد شد. در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ دادگاه می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را یک تا پنج سال معلق نماید(ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی). این ماده در راستای یک اغماض و کمک قانونی به شخص مجرم در مورد جرایم نسبتا کم اهمیت می باشد. اعمال تعلیق اجرای کیفر، حق محکوم علیه نیست و این امر از اختیارات دادگاه است و قاضی تکلیفی به اعمال تعلیق اجرای کیفر ندارد(رای شماره ۱۲۶۴/۵۶۳ شعبه دوم دیوان عالی کشور).

آزادی مشروط - آزادی مشروط فرصتی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکوم در بند داده می شود تا در طول مدتی که دادگاه معین می کند، چنانچه از خود رفتاری پسندیده نشان دهد و دستورات دادگاه را به موقع اجرا کند، از آزادی مطلق برخوردار شود(اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند(ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی):

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تایید قاضی اجرای احکام میرسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

جزای نقدی: جزای نقدی عبارت است از اجبار محکوم علیه به پرداخت مبلغی وجه نقد. جزای نقدی نوعی مجازات مالی یا بازدارنده است که به موجب آن محکوم علیه مکلف به پرداخت مبلغی در حق صندوق دولت می شود.

بخش چهارم: مجازات های جایگزین حبس نوین

بند اول: دوره ی مراقبت

دوره مراقبت دوره های است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می گردد(ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی):

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا ششماه

ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال

ت- در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال

بند دوم: خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی رایگان خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدتی معین به شرح ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مورد حکم واقع می شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجرا می گردد. قاضی اجرای احکام می تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادر کننده حکم، پیشنهاد دهد (تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی).

بند سوم: جزای نقدی روزانه

جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می شود و با نظارت اجرای احکام وصول می گردد (ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی):

الف- جرائم موضوع بند(الف) ماده(۸۳) تا یکصد و هشتاد روز

ب- جرائم موضوع بند(ب) ماده(۸۳) یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز

پ- جرائم موضوع بند(پ) ماده(۸۳) سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز

ت- جرائم موضوع بند(ت) ماده(۸۳) هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز

تبصره- محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.

بند چهارم: جزای نقدی جایگزین حبس

نحوه پرداخت جزای نقدی جایگزین حبس به شرح ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی می باشد. تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی در قانون ایران مسبق به سابقه می باشد، به عنوان مثال در حقوق کیفری ایران ماده واحده قانون امکان تبدیل زندان (مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۲۶) در امور خلافی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی نخستین گام در خصوص جزای نقدی جایگزین زندان بود. همینطور ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که اذعان داشته بود در هر مورد که در قوانین

حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد، به جای حبس، حکم به جزای نقدی الزامی بوده و هر گاه حداکثر مجازات، بیشتر از ۶۱ روز باشد دادگاه در تبدیل حبس به جزای نقدی مخیر دانسته شده بود. جزای نقدی جایگزین حبس نیز در راستای مواد قبلی جهت کاهش جمعیت کیفری زندان ها وضع شده و با وجود اینکه در قانون مجازات اسلامی سابق، قانونگذار صراحتاً در خصوص جزای نقدی جایگزین حبس اظهار نظر کرده بود این ماده حدود و ثغور آن را تعیین کرده است (بهنام اسدی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۳).

میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است (ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی):

الف- جرائم موضوع بند(الف) ماده(۸۳) تا نه میلیون (۹.۰۰۰.۰۰۰)ریال

ب- جرائم موضوع بند(ب) ماده(۸۳) از نه میلیون (۹.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا هجده میلیون (۱۸.۰۰۰.۰۰۰)ریال

پ- جرائم موضوع بند(پ) ماده(۸۳) از هجده میلیون (۱۸.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا سی و شش میلیون (۳۶.۰۰۰.۰۰۰)ریال

ت- جرائم موضوع بند(ت) ماده(۸۳) از سی و شش میلیون (۳۶.۰۰۰.۰۰۰)ریال تا هفتاد و دو میلیون (۷۲.۰۰۰.۰۰۰)ریال

بند پنجم: محرومیت از حقوق اجتماعی

دادگاه می تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مجازات های تبعی یا تکمیلی نیز محکوم نماید (ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی). در این صورت مدت مجازات های مذکور نباید بیش از دو سال شود. دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید (ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی):

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي

چ- منع از حمل سلاح

ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ- اخراج بیگانگان از کشور

د- الزام به خدمات عمومی

ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتکاب جرم

ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین یا کار معین و مطالعات فرهنگی

ژ- الزام به تحصیل

س- انتشار حکم محکومیت قطعی

بخش پنجم: موارد الزامی تبدیل حبس به مجازات‌های جایگزین حبس

۱. مرتکبین جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات

جایگزین حبس محکوم می‌گردند (ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی)؛

۲. مرتکبین جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است (ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی)؛

۳. مرتکبین جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس نباشد (ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی)؛

۴. مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند مگر اینکه به دلیل ارتكاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد (ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی)

الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری

ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه

بند اول: موارد اختیاری تبدیل مجازات حبس به مجازات های جایگزین حبس

۱. جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس نباشد (ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی)

۲. در جرایم عمدی هر گاه حداکثر حبس بیش از شش ماه تا یک سال حبس باشد مگر اینکه شرایط ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی موجود باشد که در این صورت اعمال مجازات جایگزین حبس ممنوع است.

بند دوم: مواردی که ممنوع از اعمال مجازات های جایگزین حبس است:

۱. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی (ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی)؛

۲. در تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد (ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳)؛

۳. در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید (ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی).

بند سوم: ضمانت اجرای تخلف از اجرای مفاد حکم یا دستور های دادگاه:

۱. تخلف برای بار اول: یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود؛

۲. در صورت تکرار تخلف: مجازات حبس اجرا می گردد (ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی).

دو شیوه نظام نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی نیز از نوآوری های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می باشد که می توان در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان و بازپروری مجرمین بهره برد؛

نظام نیمه آزادی - شیوه ای است که بر اساس آن محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می شود (ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی).

نظارت الکترونیکی - در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد. با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات های حبس قابل اعمال است.

بخش ششم: اهداف مجازات های جایگزین حبس

بازپذیری اجتماعی مجرم: مجازات های جایگزین حبس به کسانی که مرتکب جرم های کم اهمیت شده اند کمک می کند تا بتوانند موقعیت اجتماعی خود را در میان اعضای خانواده، دوستان و جامعه مجددا بدست بیاورند.

اجرای بهتر عدالت: مجازات های جایگزین حبس، موجب می گردد تا قضات برای انواع جرم ها و مجرمان، گزینه های مناسب در اختیار داشته باشند و در نتیجه، حبس شامل همه مجرمان نشود و این مهم به اجرای بهتر عدالت کمک می کند.

افزایش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه عدالت کیفری: زندان، به عنوان دانشگاه مجرمین بزهکارانی از خود می سازد که همواره امنیت و نظم عمومی را مورد تهدید جدی قرار می دهد و همین موضوع، اعتماد عمومی را نسبت به دستگاه عدالت کیفری کاهش می دهد، در مقابل، استفاده از مجازات های جایگزین حبس و خودداری از صدور مجازات زندان که اصولاً منتهی به اصلاح و درمان مجرمین خواهد شد، اعتماد عمومی را نسبت به دستگاه عدالت کیفری افزایش می دهد.

جبران خسارت بزه دیده: عموماً شرط اعمال مجازات های جایگزین حبس، جلب رضایت و جبران خسارت بزه است.

بخش هفتم: نقش مجازات های جایگزین حبس در پیشگیری از تکرار جرم

عواملی همچون بیکاری، فقر، مهاجرت، کاهش ازدواج و ... در ایجاد بسترهای جرم زا و تکرار جرم موثرند، اما علت اصلی تکرار جرم، کیفر حبس و معایب و ایرادات در اجرای آن است. پس، وقتی کیفر حبس این هدف مجازات را بر آورده نکند و اجرای آن مفید واقع نشود توسل به سیاست جایگزین حبس امری لازم و مفید است که می توان با بهره گیری مناسب از این نهاد، ناکارآمدی حبس را جبران نمود و نه تنها در کاهش جمعیت کیفری زندان و کاهش هزینه های اقتصادی موثر است بلکه می توان از نیروی کار مجرم در جامعه بهره مند شد.

مجازات های جایگزین از یک سو مانع از ورود مجرم به فضای جرم زای زندان می شود و از سویی دیگر از برجسب خوردن مجرمانه به مرتکب جلوگیری می کند که در ادامه به آن ها اشاره می شود.

بند اول: مرتکب و فضای جرم زای زندان

انسان از محیط اطراف خود تاثیر می پذیرد و تاثیر می گذارد. خواسته یا ناخواسته، مجرم به دلیل معاشرت با افراد سابقه دار تاثیر می پذیرد و از نظر روانی برای ارتکاب جرم شدیدتر آمادگی و علم پیدا می کند که همین موضوع، سدی جدی در برابر بازاجتماعی شدن مجرمین است و در نتیجه زندان که باید مکانی برای اصلاح، تربیت و درمان بزه کاران باشد تبدیل به مدرسه تکرار جرم می شود. نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند نیز بر این نکته تاکید دارد که جرم، مثل اعمال دیگر فرا گرفتنی است و به عنوان یک ویژگی اکتسابی از راه فرآیند یادگیری وارد شخصیت فرد می شود و در نتیجه، زندان نه تنها کانون اصلاح و تربیت نبوده بلکه مدرسه فساد است و استادان آن افرادی حرفه ای و کار آزموده و دانش آموختگان آن قربانیان تورم و اقتصاد بیمار و ناعادلانه اند که ممکن است با یک اشتباه که گاه شرایط اقتصادی بر آنها تحمیل کرده است در مسیر غیر قبول زندگی قرار گیرند.

بند دوم: مرتکب و برجسب مجرمانه

یکی از دلایل اصلی مجازات های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی و استفاده از مجازات زندان به عنوان آخرین راهکار، اصلاح مجرم، جامعه پذیری او و جلوگیری از تکرار جرم است. مجازات زندان علاوه بر آسیب های روحی، اختلافات خانوادگی، مشکلات اقتصادی و معیشتی، مشکلات اجتماعی را نیز برای مرتکب به دنبال دارد، چرا که این افراد پس از پایان مدت حبس از زندگی اجتماعی خودشان رانده می شوند و جامعه نیز به دلیل داشتن سوء سابقه مجرم و انحراف اجتماعی او پذیرای وی نخواهد بود و همین عامل هدف مجازات را منحرف می کند. تحریم اجتماعی مجرمان دارای سابقه حبس، از جمله مسائلی است که گریبان گیر اغلب جوامع است. اگر چه شدت، ضعف و کیفیت یا عوامل آن برای جوامع مختلف، تفاوت خواهد داشت. تحریم شدگان که با برجسب مجرم شناخته می شوند به عنوان جزئی از جامعه پذیرفته نمی شوند (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲۰). تحریم اجتماعی که نتیجه آن زدن برجسب مجرمانه به افراد است افزون بر اینکه اثرات روانی همچون، افسردگی، اضطراب، تنهایی و انزوا برای فرد دارد آثار مخرب آن حتی دامن گیر خانواده می شود.

که چرا مجازات زندان از صفحه قوانین کیفری ما رخت بریسته است. اگر مجرم را به مثابه یک بیمار کیفری در نظر بگیریم، هم مجازات زندان و هم جایگزین آن، دو دارویی خواهند بود که در اختیار قاضی دادگاه قرار می‌گیرد و در این میان، برای عده‌ای از بیماران کیفری، مجازات زندان مفید، و در مقابل برای قشری از این بیماران مضر خواهد بود. مجازات‌های جایگزین حبس از این جهت که فرصت ارتکاب جرم را از بزه‌کاران می‌گیرد، نمونه‌ای از کیفرهایی هستند که با برخورداری از ماهیت توان‌گیرانه، برای گرفتن توان مجرمان و در نتیجه پیشگیری از تکرار جرم پیش‌بینی شده‌اند و با تمرکز بر فرصت‌زدایی و سلب موقعیت‌های جرم‌زا به دنبال کاهش تکرار جرم و اصلاح مجرم‌اند. همچنین اجرای مجازات‌های جایگزین از یک سو، با توجه به اینکه از ورود مرتکب به محیط جرم‌زای زندان جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، مانع از برچسب خوردن مجرمانه به مرتکب می‌شود، می‌تواند نقش سزاواری در پیشگیری از تکرار جرم داشته باشد.

پیشنهادات

۱) نهاد آموزش و پرورش به عنوان پرجمعیت‌ترین ایستگاه تعلیم و تربیت نقش موثری در زمین پیشگیری از وقوع جرم بر عهده دارد و یکی از موفق‌ترین مکان‌ها برای اجرای اقدامات پیشگیری از جرایم، مدارس هستند. مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودکان و نوجوانان ناچارند خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازند، امروزه پیوند قوه قضاییه و آموزش و پرورش به منظور نهادینه ساختن احترام به قانون و حقوق دیگران، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. افکار آدمی، رفتار او را شکل می‌دهد و مناسب‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار در جهت شکل‌دهی مناسب به افکار نوجوانان، استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش می‌باشد، لذا آموزش قانون‌مداری به نوجوانان، افکار آنان را از ارتکاب بزه باز می‌دارد و در این خصوص تالیف کتب مناسب برای دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و دوم که هم کاربردی باشد و هم مفید، می‌تواند به نظام عدالت کیفری کمک شایانی نماید.

۲) رسانه‌ها سپهر اطلاعاتی هر جامعه به شمار می‌روند و کارکردهای مختلفی دارند. رسانه‌ها در تولید جرم و فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است، زیرا دانش عمومی از جرم و جنایت، تا حد زیادی از رسانه‌ها بدست می‌آید. رسانه می‌تواند نقش پیشگیرانه از طریق آموزش به شهروندان را ایفا نماید و سیاست

گذاران و مدیران حاکم، نباید از فرصت‌ها و تهدیدات رسانه غفلت نمایند. همانطور که تهدیدات رسانه و فضای مجازی جدی است، در مقابل، فرصت‌هایی را نیز در اختیار قرار می‌دهد که می‌توان با انتفاع از آن، در جهت آموزش همگانی در راستای پیشگیری از جرم بهره برد.

۳) دستور العمل اجرایی طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان» مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۰۷ معاونت فرهنگی قوه قضاییه، که در راستای ارتقای سواد حقوقی جامعه و ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی وضع شده است و جامعه هدف آن، آحاد مردم با استفاده از ظرفیت مساجد، مصلای نماز جمعه و بقاء متبرکه می‌باشد می‌تواند در پیشگیری از جرم به شرط اجرای دقیق آن بسیار موثر باشد، فرهنگ مردم ایران، آمیخته با احکام و موازین اسلامی است و می‌توان از مساجد به عنوان پایگاه عبادی، اجتماعی و فرهنگی در راستای پیشگیری از جرم و بازاجتماعی نمودن مجرمین استفاده نمود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، «بازپروری عادلانه مجرمان»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳
۲. اسدی، بهنام (۱۳۹۶)، حقوق یار جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات قانون یار
۳. بهمنی فخر، سیدصابر (۱۳۹۹)، «بازپروری اسلامی و عادلانه مجرمان، الزامی غیر قابل انکار»، فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، شماره ۲
۴. بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۲)، «نقش رسانه در پیشگیری از جرم»، فصلنامه رسانه، شماره ۳
۵. حاجی ده ابادی، احمد (۱۳۹۰)، «تاملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴
۶. خاکساری، داوود، غلامی، حسین (۱۳۹۸)، «عوامل موثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۹

۷. داجک، هادی، (۱۳۹۹)، «مجازات های جایگزین حبس و تاثیر آن بر کاهش جمعیت کیفری زندان»، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۵۴
۸. ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۸)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دهم، تهران، مشاهیر دادآفرین
۹. غلامی، میثم، ملکی، امین (۱۳۹۴)، «مجازات های جایگزین حبس و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۳۷
۱۰. نجفی، نیما، رضا، ذوالقدر، (۱۳۹۸)، «آموزش دهی و یادگیری به عنوان جایگزین های حبس»، فصلنامه بین المللی قانون یار، شماره ۱۰
۱۱. نجم سهیلی، فاطمه، (۱۴۰۰)، «مجازات جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران»، فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی، شماره ۲
۱۲. والهی، حمید، سیدرضا، احسان پور، (۱۳۹۵)، «جایگاه جایگزین های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آنها در نظام عدالت کیفری ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره